روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۴ • ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۷ • ۱۹ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۵۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

۲۵ هکتاراز باغات نارنگی هاشم‌آباد در گرگان محل اشتغال هزارو ۷۰۰ نفر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم است. اکثر این کارگران، زنان سرپرست خانوار و از محرومان بومی این دیارهستند؛ زنانی که تلاش و حضورشان نه‌تنها چرخ معیشت خانواده‌هایشان را می‌چرخاند، بلکه امید، توانمندی و اعتمادبه‌نفس را در جامعه می‌رویاند.
عکس: حدیثه پسندی، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

خاموشی و فراموشی کانون در ۶۰سالگی

اصرار بر ادامه بحران در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تا چند روز دیگر ۶۰سالگی خود را پشت سر می‌گذارد. نهادی که زمانی یکی از خلاق‌ترین و مؤثرترین مراکز فرهنگی ایران بود و کودکان را از دل کتابخانه‌ها، کارگاه‌های هنری و فیلم‌های ماندگار به جهان تخیل و مهارت هدایت می‌کرد. اما این ۶۰سالگی در حالی فرا می‌رسد که کانون در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های مدیریتی خود قرار دارد؛ بحرانی که اعتراضات گسترده مربیان، نویسندگان، تصویرگران و حتی دستور مستقیم رئیس‌جمهور نیز نتوانسته آن را از مسیر فعلی بازگرداند و «حکایت همچنان باقی است».

با وجود در اختیار داشتن نیروهای متخصص و باتجربه در حوزه کودک و نوجوان، انتخاب حامد علامتی به‌عنوان مدیرعامل، از همان ابتدا محل پرسش و انتقاد جدی بود. او نه سابقه فرهنگی یا تخصصی در حوزه کودک داشت و نه تجربه‌ای از فعالیت حرفه‌ای در کانون. انتصاب او با حمایت بیرونی انجام شد؛ فردی که در دوره‌های پیشین از نفوذ درخور توجهی در مجلس برخوردار بود. بسیاری از برنامه‌های آزاد، ادبی و هنری محدود شد و بدنه تخصصی کانون -که سرمایه اصلی آن بود- در سایه قرار گرفت. نامه صریح انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به‌روشنی نشان می‌دهد که مدیریت فعلی با انتصاب مدیران غیرمتخصص، کنارگذاشتن نیروهای کارآزموده، تعطیل یا نیمه‌تعطیل‌کردن مراکز و کاهش کیفیت فعالیت‌های فرهنگی، «نَفس‌های کانون را به شماره انداخته» است. در این نامه تأکید شده که کانون از مأموریت‌های فرهنگی و خلاقانه خود دور شده و جای آن را فعالیت‌های مناسکی و کم‌ارتباط با دنیای کودک گرفته است.

اما مشکل فقط این نبود؛ در این دوره کانون به‌وضوح سیاسی شد. درحالی‌که این نهاد باید به دور از سیاست‌ورزی جناحی باشد، به محل برگزاری نشست‌های انتخاباتی و جلسات نامزدهای رقیب رئیس‌جمهور فعلی تبدیل شد. این سیاسی‌سازی آشکار، استقلال حرفه‌ای و فرهنگی کانون را بیش از پیش تضعیف کرد و نشانه‌ای دیگر از تغییر جهت مأموریت آن در دوره اخیر بود. هم‌زمان، مربیان و کارکنان کانون نیز در نامه‌ای تند از وضعیت معیشتی، تبعیض در رتبه‌بندی، بی‌توجهی به نیازهای کودکان امروز و «نگاه آماری و کمیت‌محور» مدیریت انتقاد کردند. آنان نوشتند کانون بدون انگیزه مربیان «ساختمانی خاموش» است و مدیریت فعلی نه‌تنها انگیزه‌ای ایجاد نکرده، بلکه یأس و فرسودگی را گسترده‌تر کرده است.

رئیس‌جمهور پیش‌تر دستور داده بود وضعیت کانون فورا بررسی و مشکلات آن رفع شود. بااین‌حال، پرسش اصلی همچنان باقی است: چرا با وجود این‌همه نارضایتی مردمی، صنفی و تخصصی، بر حفظ مدیریتی که یکی از ضعیف‌ترین کارنامه‌های تاریخ کانون را داشته است، اصرار می‌شود؟

کانون در آستانه ۶۰سالگی بیش از هر زمان محتاج بازگشت به استقلال فرهنگی، تخصص حرفه‌ای و مأموریت واقعی خود است؛ اما تا زمانی که این پرسش بی‌پاسخ بماند، بحران نیز همچنان ادامه خواهد داشت.

یادداشت

آموزش و پرورش و چای دبش

حمیدرضا آذری

در پایگاه خبری-تحلیلی انتخاب در تاریخ ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴ به نقل از قوه قضائیه درباره پرونده چای دبش آمده است: ویلای هشت‌هزارمتری با ارزش بالغ بر پنج هزار میلیارد تومان به منظور رد مال به بانک ملت تحویل داده شده و متهم ردیف اول مجموعا به ۲۴۴ هزار میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شده است. بودجه‌ای که برای وزارت آموزش و پرورش ایران در سال ۱۴۰۴ از طرف مجلس مصوب شده، با همه ردیف‌های بودجه‌ای، ۴۷۰ هزار میلیارد تومان است. فقط همین دو رقم ارزش ویلای انتقال داده‌شده و جریمه نقدی متهم ردیف اول معادل ۵۳ درصد بودجه وزارت آموزش و پرورش ایران با ۱۶ میلیون دانش‌آموز و تقریبا حدود ۸۵۰ هزار معلم و کارکنان شاغل و صد هزار مدرسه است. با نگاهی به همین دو رقم، می‌توان از آموزش و پرورش با این بودجه در شرایط سخت و طاقت‌فرسایی که امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، انتظاری بیش از آن داشت؟ معدل دانش‌آموزان کلاس دوازدهم که تا چند سال قبل نزدیک به ۱۲ بود، اکنون به ۱۰ تقلیل پیدا کرده است. بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ درباره بازماندگان از تحصیل با مراجعه به اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد افراد شش تا ۱۹ساله‌ای که به‌طور کلی خارج از مدرسه هستند (یا بی‌سواد هستند یا در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند) دو میلیون و ۳۸۶ هزار و ۱۲۰ نفر است که قطعا در شرایط فعلی آمار آنها بیشتر نیز شده است. بنا بر گزارش فرهنگستان علوم، با مراجعه به شاخص جهانی دانش (GKI) که درصدد برقراری پیوند معنادار میان توسعه و دانش است، ایران در سال ۲۰۲۱ از میان ۱۵۴ کشور رتبه ۱۰۴ را احراز کرده؛ درحالی‌که در سال ۲۰۲۰ از میان ۱۳۸ ایران دارای رتبه ۸۰ بوده است. سرانه آموزشی ایران در حال حاضر حدود ۳۶۰ دلار است که ۹۵ درصد آن صرف حقوق و مزایای معلمان می‌شود. بدون شک ایران در مقایسه با دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، در ردیف آخرین کشورهاست. جالب است بدانیم حقوق یک فوق‌لیسانس فیزیک با سه سال سابقه کار، ۱۸ میلیون تومان است؛ به همین دلیل معلمان علوم پایه که از طریق آزمون و مصاحبه و گذراندن مراحل گوناگون استخدام شده‌اند، به‌راحتی آموزش و پرورش را حتی در طول سال تحصیلی رها می‌کنند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که اگر در آموزش و پرورش شاهد موفقیت‌هایی در ورزش، المپیادها، جشنواره‌ها، رتبه‌های برتر کنکور و مواردی از این قبیل هستیم؛ بخش درخور توجهی از آن به دلیل میزان سرمایه‌گذاری خانواده‌ها برای فرزندان‌شان در حیطه آموزش است که رقم آن بسیار زیاد است. آموزش و پرورش ایران نیاز به یک تحول شگرف در ساختار و اقتصاد دارد (در کتاب دریای لطف به‌صورت مبسوط به آن پرداخته شده است) که هر دو باید با هم اتفاق بیفتد؛ اما با آنچه اکنون در آموزش و پرورش شاهدیم، تحقق آن به یک رؤیا شباهت دارد.

هنرخوانی

تام کروز و اسکار یک عمر دستاورد

در چند ساعت گذشته خبر دریافت اسکار افتخاری تام کروز مورد توجه قرار گرفت. صحنه‌ای که اسپیلبرگ او را در آغوش می‌گیرد و آلخاندرو اینااریتو با افتخار تمام این مجسمه طلایی را به او می‌دهد، توانسته بسیاری از دوستداران سینما را خوشحال کند. انگار آنها هم مانند تام کروز، ستاره هالیوود و بازیگر شناخته‌شده، منتظر این اسکار بودند. هرچند او چندین بار نامزد اسکار شده، اما نتوانسته بود برنده شود. او سرانجام در کنار دالی پارتن، وین توماس و دبی آلن مورد تجلیل قرار گرفت و اسکار یک عمر دستاورد هنری را دریافت کرد. تام کروز این اسکار را برای یک نقش بازیگری مشخص نگرفت؛ ستاره «تاپ‌گان»، «جری مگوایر» و مجموعه «مأموریت: غیرممکن» اسکار افتخاری آکادمی را برای یک عمر دستاورد در مراسم سالانه دریافت کرد. به گزارش گاردین، در بیانیه‌ای پیش از رویداد، «جانت یانگ» رئیس آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (اسکار) گفت: «تعهد باورنکردنی کروز به جامعه فیلم‌سازی، به تجربه تماشای فیلم در سالن و به جامعه بدلکاری، الهام‌بخش همه ما بوده است». او با یادآوری تلاش‌های کروز برای فیلم‌برداری قسمت هفتم «مأموریت: غیرممکن» در سال ۲۰۲۰، افزود: «کروز به صنعت سینما کمک کرد تا از دوران چالش‌برانگیز همه‌گیری کووید۱۹ عبور کند». کروز که پیش‌تر برای اسکار بهترین بازیگر مرد برای «متولد چهارم جولای» و «جری مگوایر» و برای نقش مکمل مرد برای «ماگنولیا» نامزد شده بود، پس از در دست گرفتن اسکار از نخستین باری گفت که عاشق سینما شد: «یادم هست آن پرتو نور، اتاق را می‌شکافت. یادم هست به بالا نگاه کردم و تصویر داشت روی پرده منفجر می‌شد و ناگهان دنیا بسیار بزرگ‌تر از آن چیزی شد که می‌شناختم؛ فرهنگ‌های کامل، زندگی‌ها و چشم‌اندازها».

طنزخوانی

حال بد شما را خریداریم

آیدین سیارسریع

یک روزهایی آدم حالش خوب نیست. دلیل خاصی هم ندارد. قدیم می‌گفتند طرف از دنده چپ بلند شده. نمی‌دانم. شاید یک‌سری هورمون در بدن بالا و پایین می‌شود. شاید هم اینکه می‌گویند چرخش ماه و وضعیت ستارگان در احوال آدم مؤثر است، واقعیت داشته باشد. خیلی دوست داشتیم که سهم ما هم از نجوم، حقوق نجومی باشد نه این وضعیت قمر در عقرب، ولی از ظاهر امر این‌طور برمی‌آید که ماه و ستارگان هم زیاد با ما حال نمی‌کنند.

دیروز هم با حال بدی از خواب بیدار شدم. همه می‌خوابند و فِرش و سرحال می‌شوند، من وقتی می‌خوابم خسته‌تر می‌شوم. نمی‌دانم هورمون‌ها بالا و پایین می‌شوند یا وضعیت ستارگان دخیل است. حقیقتش دلم می‌خواست همراه با یک‌سری از معضلات اجتماعی از خواب بیدار شوم و بگویم حال بدم به خاطر بدهی و تورم و اجاره‌خانه و فلان بد است. تلاشم را هم کردم اما اگر بخواهم صادقانه بگویم، دیدم واقعا حال بدم دلیلی ندارد. اسنپ گرفتم که بروم سر کار. تا نشستم راننده صدای ضبط را بلند کرد. سیاوش قمیشی می‌خواند. آهنگی از آلبوم‌های قدیمی‌اش.

همان سال‌هایی که با مسعود فردمنش می‌آمدند در استودیو و فردمنش انگار که بدهی داشته باشد، غمگین و پژمرده می‌نشست یک گوشه و سرش را پایین می‌انداخت و سیاوش شعرهایش را می‌خواند. به طرز عجیبی حالم خوب شد. شاید فکر کنید این معجزه موسیقی است. البته معجزه موسیقی هم هست، ولی اگر (باز هم) بخواهم صادق باشم، واقعیت این بود که وقتی دیدم یک نفر دیگر حالش از من بدتر است، حالم خوب شد. خودمانیم، آدمیزاد هم موجود غریبی است؛ از خوشحالی بقیه خوشحال نمی‌شود ولی وقتی می‌بیند یک نفر به زمین گرم خورده، احساس می‌کند وضعش آن‌قدرها هم که فکر می‌کرده بد نبوده و سرحال می‌شود. وقتی به مقصد رسیدیم، از راننده بابت آهنگ‌ها تشکر کردم و گفتم وقتی سوار ماشین شدم حالم خوب نبود، ولی با شنیدن نوای ضبط شما بهتر شدم.

انتظار داشتم راننده در جواب بگوید پس پنج ستاره ما فراموش نشه، ولی ۱۸۰ درجه چرخید و رو کرد به من و گفت: «مثل من باش! در لحظه زندگی کن!».

گفتم: «مثل شما که نمی‌شیم ولی بله، در لحظه زندگی می‌کنم».

گفت: «زندگی رو نباید سخت گرفت. منو نگاه کن! زندگی رو سخت نمی‌گیرم».

گفتم: «منم زندگی رو سخت نمی‌گیرم».

گفت: «چهار روز در هفته کار می‌کنم. آخر هفته می‌رم باغ، بی‌خیال دنیا و همه چی».

گفتم: «منم آخر هفته می‌رم شمال». کار داشت بالا می‌گرفت. حس کردم راننده هم حالش خوب نیست و دنبال یک نفر می‌گردد که از او بدبخت‌تر باشد، اما از شانس بدش من داشتم مقاومت می‌کردم. هرچه از حال خوبش می‌گفت من سندی رو می‌کردم که حالم بهتر است. آخر از عصبانیت به گریه افتاد.

گفت: «بابا ول کن دیگه. بذار من از تو خوشبخت‌تر باشم».

گفتم: «مثلا اگه از تو بدبخت‌تر نباشم می‌خوای چیکار کنی؟». تهدیدکنان گفت: «پایان سفر رو نمی‌زنم».

گفتم: «پایان سفر نزنی خودت دیگه نمی‌تونی مسافر سوار کنی».

گفت: «من اصلا نیازی ندارم. برای تفریح مسافرکشی می‌کنم». دیدم انصافا وضعش از من بهتر است. حقیقت را پذیرفتم و سپر انداختم. دوباره حالم بد شد.

۱۷ گلوله

سی‌ان‌ان: کالبدشکافی لینتول بلکول، مرد ۴۴ساله سیاه‌پوست آمریکایی در آتلانتا نشان داد یک پلیس که در حال انجام وظیفه هم نبوده، ۱۷ بار به او شلیک کرده است. او ۱۹ مهر بیرون یک هتل کشته شد. اداره تحقیقات ایالت جورجیا اعلام کرد دلیل این قتل حمل سلاح و بی‌توجهی به هشدار افسر پلیس برای توقف بوده است. اما حالا این گزارش، پس از انتشار جزئیات کالبدشکافی درباره ۱۷ شلیک به پشت این مرد، به‌شدت زیر سؤال رفته است.

۵ میلیارد تومان

ایلنا: کارگر شهرداری بروجرد کیسه طلای پنج‌میلیاردی را از زباله‌ها درآورد و به صاحبش برگرداند. در پی اعلام یک خانواده بروجردی مبنی بر اینکه مقادیری از طلاهای آنان در بین زباله‌ها گم شده است، به‌سرعت عملیات پیداکردن طلاها از طرف کارگران شهرداری در محل دفن زباله‌ها آغاز می‌شود و در نهایت یکی از کارگران بعد از شش ساعت تلاش در میان انبوهی از زباله‌ها موفق به پیداکردن کیسه طلاها به ارزش پنج میلیارد تومان می‌شود.

۵۴۶ هزار نفر

افزایش دما، گسترش موج‌های گرمای کشنده، آتش‌سوزی‌های مهیب جنگلی، خشک‌سالی‌های پی‌درپی و شیوع بیماری‌های عفونی، همه به‌وضوح نشان می‌دهند که بحران اقلیمی به بحرانی انسانی تبدیل شده است. پژوهشگران تخمین زده‌اند بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱، گرمای شدید به‌طور متوسط سالانه ۵۴۶ هزار نفر را در سراسر جهان به کام مرگ کشانده است. در حال حاضر، گرما بیش از سه درصد از کل مرگ‌ومیرها را در ۲۶ کشور جهان تشکیل می‌دهد که بیشتر آنها در آفریقا و خاورمیانه قرار دارند. در میان کشورهای ثروتمند، امارات متحده عربی با نرخ ۶.۷درصدی بالاترین میزان مرگ ناشی از گرما را دارد.